

یکی را به ده راه نمی‌دادند سراغ کدخدا را می‌گرفت!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

اکنون این ضرب‌المثل، کاملاً درباره ادعاهای رضا پهلوی راه گم کرده صدق می‌کند. این ضرب‌المثل، به این معناست که وقتی کسی در جامعه‌اش نادیده گرفته می‌شود و دیگران او را قبول ندارند، هر گونه درخواست او بی‌نتیجه خواهد بود. در این شرایط است که می‌گویند «یکی را به ده راه نمی‌دادند، سراغ کدخدا را می‌گرفت.»

این ضرب‌المثل، نماد اصرار و درخواست‌های بی‌جا است؛ زمانی که فردی هیچ اعتباری در میان دیگران ندارد، اما هم‌چنان سعی می‌کند به خواسته‌هایش دست یابد.

ضرب‌المثل «یکی را به ده راه نمی‌دادند، سراغ کدخدا را می‌گرفت» به کسی اشاره دارد که جایگاه یا صلاحیت لازم برای انجام کاری یا حضور در مکانی را ندارد، اما با وجود این، به‌طور نابه‌جا و ناشایست ادعای مقام بالاتری می‌کند یا خواهان ارتباط با افراد برجسته‌تر است.

آن ضرب‌المثل، به روشنی به ما یادآوری می‌کند که باید در زندگی واقع‌بین باشیم و توقعات خود را بر اساس توانایی‌ها و شرایط موجود تنظیم کنیم. موفقیت، فرایندی است که نیاز به تلاش، پشتکار و صبر دارد و هیچ راه میان‌بری برای رسیدن به آن وجود ندارد.



نمایندگان پنج حزب کرد در نشست خبری اعلام ائتلاف با هدف سرنگون کردن جمهوری اسلامی

ائتلاف پنج حزب کردستانی

ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران در سوم اسفند ۱۴۰۴ - اعلام موجودیت کرد و شامل پنج حزب کردی است. در اعلامیه تاسیس این ائتلاف آمده است: هدف اصلی این ائتلاف، که پس از مرحله‌ای از تبادل نظر و کار میدانی در «مرکز دیالوگ برای همکاری» شکل گرفته است، اتحاد و مبارزه مشترک برای گسترش جنبش سیاسی کورد در ایران، رونق‌بخشی بیشتر به نقش کردستان و جنبش سیاسی آن در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، تامین حقوق و آزادی‌های مردم کردستان و بازطراحی ایران آینده می‌باشد.

این ائتلاف اهداف اصلی و مشترک خود را چنین معرفی کرده است: مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، تحقق حق تعیین سرنوشت ملت کرد و بنیان‌گذاری نهادی ملی و دموکراتیک بر اساس اراده سیاسی ملت کرد در کوردستان ایران.

این ائتلاف می‌گوید: ضمن پشتیبانی از مبارزه و اعتراضات سراسری ملت‌های ایران علیه جمهوری اسلامی، بر ضرورت هماهنگی و مبارزه سیاسی و میدانی مشترک میان احزاب و سازمان‌های مدنی کردستان ایران و احزاب و سازمان‌های سیاسی و مدنی سایر بخش‌های ایران تاکید می‌کند و هم‌چنین، ضمن حمایت از شکل‌گیری مرحله‌ای گذار دموکراتیک و فراگیر، مبنای هرگونه همکاری و ائتلاف خود با طرف‌های دیگر را «به‌رسمیت شناختن حقوق ملت‌ها»، «پذیرش دموکراسی» و «رد هرگونه دیکتاتوری» قرار می‌دهد.

این ائتلاف تاکید کرده است: در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری، وحدت سیاسی و هم‌گفتمانی جریان‌های سیاسی و مبارزه مشترک میدانی آن‌ها، شرط تقویت جایگاه کرد در معادلات سیاسی در حال تغییر ایران است. از این رو، آمادگی خود را برای همکاری با تمامی احزاب و جریان‌های سیاسی خارج از این ائتلاف اعلام نموده و همه مردم کردستان را برای پیوستن و بازیافتن خود در این ائتلاف فرا خوانده است. در بیانیه مشترک «ائتلاف نیروهای سیاسی در کردستان ایران» آمده بود که آنان از اعتراضات ضدحکومتی در ایران حمایت می‌کنند و «تلاش‌های سیاسی و میدانی هماهنگ و مشترک» بین احزاب کرد و جامعه مدنی و گروه‌های مخالف در سراسر ایران را لازم می‌دانند.



حمله فاشیستی رضا پهلوی به «ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران»

رضا پهلوی بدون نام بردن از ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران که اخیراً تشکیل شده است، احزاب تشکیل‌دهنده این ائتلاف را بار دیگر تجزیه‌طلب خوانده و وعده سرکوب آن‌ها را در حکومت آینده داد.

او در شبکه ایکس نوشت: در روزهای اخیر، چند گروه تجزیه‌طلب - که در کارنامه بعضی از آن‌ها همکاری با خمینی و صدام، هر دو به چشم می‌خورد - ادعاهایی موهوم و سخیف را درباره تمامیت ارضی و یگانگی ملی ایران مطرح کرده‌اند. چنان‌که بارها تاکید کرده‌ام، حفظ و دفاع از تمامیت ارضی ایران، اصلی‌خنده‌ناپذیر است. ما بر سر یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران نه با کسی مذاکره می‌کنیم و نه ذره‌ای از آن کوتاه می‌آییم.

او نوشت: هر فرد یا گروهی که از این خط قرمز عبور کند، یا با عبورکنندگان از آن همکاری کند، با پاسخ قاطع ملت آگاه ایران روبه‌رو خواهد شد. در روزها و هفته‌های پیش رو، هم‌زمان با درهم‌شکستن کامل جمهوری اسلامی و بیرون راندن این رژیم از کشور، در دفاع از یکپارچگی ملی و تمامیت ارضی ایران نیز هوشیارتر، استوارتر و کوشاتر از همیشه خواهیم بود.

او ارتش را به سرکوبی احزاب کرد تشویق کرده و نوشت: با پایبندی به این اصل بنیادین، می‌توان انتظار داشت که ارتش ایران نیز به وظیفه‌ی ملی-میهنی خود عمل کند، در کنار ملت بایستد و از ایران در برابر جمهوری اسلامی و تجزیه‌طلبان دفاع کند.



واکنش ائتلاف احزاب کردستان ایران به ادعای رضا پهلوی درباره «تجزیه طلبی»

پنج حزب ائتلافی به ادعاهای را به دنبال داشت که در همان روز اتهام «تجزیه طلبی» را رد کردند. در بیانیه این پنج حزب آمده که پهلوی «ضمن بلند کردن چماق فرسوده تجزیه طلبی تهدید نموده که پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، ارتش را مأمور سرکوب جنبش حق طلبانه ملت کرد خواهد نمود.»

این اشاره ای است به این بخش از پیام رضا پهلوی که می گوید: «با پایبندی به این اصل بنیادین (تمامیت ارضی)، می توان انتظار داشت که ارتش ایران نیز به وظیفه ملی-میهنی خود عمل کند، در کنار ملت بایستد و از ایران در برابر جمهوری اسلامی و تجزیه طلبان دفاع کند.» آن ها هم چنین بر اساس همین پیام او را متهم کرده اند که «در ایران آینده مورد نظر ایشان، شیوه مواجهه با مطالبات مدنی و خواست های دموکراتیک مندرج در منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد، هم چنان امنیتی و نظامی خواهد بود.»

عبدالله مهتدی، رهبری یک شاخه کومه له، گرچه در ائتلاف حضور ندارد اما به ادعای رضا پهلوی واکنش نشان داده و تاکید کرده است: «مردم کردستان در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در تلاش برای یک ایران مبتنی بر دموکراسی کثرت گرا، حقوق بشر و مشارکت سیاسی که متضمن تامین حقوق همه ملیت ها از جمله کردها باشد کاملاً متحد هستند.»

برخی گروه های شاه پرست، نقش چماقداری و لمپنیسم و تهدید نیروهای چپ و آزادی خواه و سرنگونی طلب را به عهده دارند و به نظر می رسد تقسیم کاری که در درون خانواده سلطنتی به خصوص بین رضا پهلوی و همسرش یاسمین پهلوی به وجود آمده است رضا پهلوی سیاست های لیبرالی و یاسمین پهلوی سیاست های چماقداری و لمپنیسم را سازمان دهی می کنند و پیش می برند. برای مثال، اولین بار شعار «مرگ بر سه فاسد - ملا - چپ - مجاهد» را یاسمین پهلوی مطرح کرد و یا اعدام پنجاه هفتگی ها را بر زبان طرفدارانش انداخت. رضا پهلوی خودش را به هر در و دیواری می زند تا آمریکا و اسرائیل باز هم به ایران حمله نظامی کنند و اسم رمز آن را نیز «وطن پرستی» گذاشته است.

امیر طاهری، روزنامه نگار با سابقه پادشاهی و از استادان قدیمی رضا پهلوی در گفت و گوی تلویزیونی با شهرام همایون، گفته است: «کشورهای زیادی به بهانه بزرگی بیش از حد ایران، به دنبال تجزیه آن هستند و با آرزوی تکه تکه شدن ایران، به گروهک های تجزیه طلب کمک می کنند. اطرافیان شاهزاده به شدت از من خشمگین اند و به دلیل عذرخواهی نکردنم، از سوی عناصر گارد جاویدان پهلوی بارها تهدید به قتل شده و برای سرم ۲۰۰ هزار دلار جایزه تعیین کرده اند.»

افشاگری امیر طاهری در آنتن زنده تلویزیونی صورت گرفته است. «با فحاشی مرا تهدید به قتل کرده اند؛ گفته اند یا از «شاهزاده» عذرخواهی کن یا کشته می شوی؛ سلطنت طلبان برای سرم جایزه گذاشتند!»



پدیده لمپنیسم تنها مختص ایران نیست. نخستین بار کارل مارکس بود که به نقش مخرب «لمپن پرولتاریا» در نبرد طبقاتی در فرانسه و ایدئولوژی آلمانی اشاره کرد. نقش لمپن ها در صفوف فالانژیست های اسپانیا در جریان جنگ داخلی اسپانیا که به تحکیم قدرت فرانکو و سرکوب جمهوری خواهان و آنارشیست ها منجر شد، بسیار برجسته بود. در کودتای سرهنگ ها در یونان، نقش دسته جات لمپن در به قدرت رسیدن کودتاگران و شکست حزب سوسیالیست سیریزا در آن زمان، بسیار پر رنگ بود. لمپن ها در صفوف «پیراهن مشکی ها» که به گفته خودشان به «کار کثیف»

سرکوب دگراندیشان در دوران موسولینی می‌پرداختند، با رژه‌های خود در به قدرت رساندن او نقش مهمی داشتند. در دوران به قدرت رسیدن هیتلر نیز لمپن‌ها در صفوف «پیراهن قهوه‌ای‌ها» که هیتلر از آن‌ها به عنوان «سگ‌های چاپک» نام می‌برد که برای حفاظت از خود و بر هم زدن میتینگ‌ها استفاده می‌کرد، نقش ویژه‌ای ایفا کردند.

اما امروز دایره لمپنیسم به تدریج بعضی افراد تحصیل کرده و حتی کسانی که دست کم چهار دهه است در کشورهای غربی زندگی می‌کنند را نیز در بر گرفته است که وجه مشترک همه آنان شاه‌الهی، ویرانگری و جذب ایدئولوژی‌های اقتدارگرا شدن است که «تئودور آدورنو» تصویر روشنی از آنان در کتاب «شخصیت اقتدارطلب» به دست داده است.

بگذریم از فحاشی و بی‌حرمتی که طرفداران دور و نزدیک رضا پهلوی به غیر خودی‌ها نثار می‌کنند. اگرچه ظاهراً رضا پهلوی، شعار «وحدت و دموکراسی» می‌دهد اما در عمل حلقه نزدیک او و در راس همه یاسمین پهلوی، طرفداران شان و رسانه‌های فارسی‌زبان همسو با او، تاکید دارند که «هر که با ما نیست، دشمن ماست» صرفاً به شخصیت‌هایی احترام می‌گذارند که با رضا پهلوی عکس بگیرند و طرفدار احیای سلطنت شوند. در غیر این صورت، دیگران نفوذی، تجزیه‌طلب(گردها)، پنجاه‌هفتی، منافق، چپی، جمهوری خواه و مصدقی می‌باشند.

رفتار سلطنت‌طلب‌ها همان رفتار حزب‌اللهی‌های جمهوری اسلامی است که به خصوص در سال‌های نخست انقلاب ۵۷، به سازمان‌های دیگر با شعار «حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله»، با سنگ و چوب حمله کرده و گردهمایی‌شان را بر هم می‌زدند. آن‌ها در کشتار معترضین دی ماه اخیر نیز نقش مهمی داشتند. با این تفاوت که سلطنت‌طلب‌ها با فوکل کراوات هستند. تشابه دیگر چماقداران و لمپن‌ها در واکنش رهبران‌شان آن‌هاست. عملکرد حزب‌اللهی‌ها هیچ‌وقت از سوی رهبران جمهوری اسلامی محکوم نشد. امروز هم به اصطلاح «شاهزاده» هیچ عکس‌العملی پیرامون هتاک و فحاشی طرفداران‌شان نسبت به چهره‌ها و شخصیت‌های دیگر و ساطمان‌های و احزاب نشان نمی‌دهند. رسانه‌های فارسی‌زبان هم بروی خودشان نمی‌آورند و رفتار سلطنت‌طلب‌ها با دیگران را نمی‌بینند.

آن‌ها، هر کسی که از رضا پهلوی حمایت نکند را خائن، مزدور، نفوذی و... می‌دانند، اگر فردا روزی شاهزاده‌شان به قدرت برسند، با «غیر خودی‌ها» چگونه رفتار خواهند کرد؟

طیف‌های مختلف سلطنت‌طلب و شاه‌پرست، حتی بر علیه کسانی کمپین راه می‌اندازند که تا دیروز با آن‌ها همکاری می‌کردند. اما به محض این که به آن‌ها کم‌ترین انتقاد می‌کنند و یا از آن‌ها دور می‌شوند به شنیع‌ترین شکلی مورد آماج حملات لفظی خود قرار می‌دهند. هرگونه تهمت و افترا را به‌سوی آن‌ها پرتاب می‌کنند. برای مثال علیه حامد اسماعیلون، شیرین عبادی، عبدالله مهتدی، مسیح علینژاد و... یکی دیگر از شعارهای سلطنت‌طلبان که برگرفته از طرح شعای یاسمین پهلوی است به صراحت اعلام کرده‌اند که اگر ما به قدرت برسیم همه انقلابیون ۵۷ را اعدام خواهیم کرد. به باور سلطنت‌طلبان و شاه‌پرستان، باید زندان و زندانی سیاسی و قانون اعدام داشت. باید شکنجه‌گر داشت، باید پرویز ثابتی را داشت. باید دست به ترور و اعدام زد همان‌طور که تاکنون تمامی حکومت‌های ایران به خصوص حکومت‌های پهلوی و جمهوری اسلامی دست زده‌اند.

سخن آخر این که نفرت و انزجاری که مردم از حکومت‌های پهلوی و جمهوری اسلامی دارند و اکنون اراده کرده‌اند جمهوری جهل و جنایت اسلامی را سرنگون کنند به‌هیچ‌وجه اجازه بازگشت سلطنت به ایران را نخواهند داد.

شایان ذکر است که در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، دست کم قانون ضدانسانی اعدام لغو خواهد شد؛ همه زندانیان سیاسی آزاد و زندان‌های سیاسی برای همیشه برچیده خواهند شد؛ برابری زن و مرد در همه عرصه‌های شئون اجتماعی رعایت خواهد شد؛ کار کودک لغو و تا ۱۸ سالگی آموزش و بهداشت همه کودکان تامین خواهد شد؛ حقوق مکفی برای همه بیکاران کشور از جمله زنان خانه‌داری تعیین خواهد شد؛ زندگی شایسته‌ای برای بازنشستگان فراهم خواهد شد؛ آزادی بیان، عقیده، اعتصاب و احزاب سیاسی و همه نهادهای مردم‌نهاد و حقوق اقلیت‌های مذهبی تامین خواهد شد؛ مردم تحت ستم سراسر ایران از آزادی آموزش به زبان مادری و حق تعیین سرنوشت آن‌ها به رسمیت شناخته و همه شهروندان بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت، گرایش‌های سیاسی و باورهای مذهبی از حقوق و آزادی‌های یک‌سان و برابر برخوردار خواهد شد و... این‌ها، خواسته‌های حداقلی است که مردم از هر گرایشی که در آینده کشور به قدرت برسد مطالبه خواهند کرد.

در شرایط امروز نیز وظیفه و حق طبیعی همه نیروهای سیاسی چپ و آزادی‌خواه و برابری‌طلب است که در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و دست کم یک جامعه دموکراتیک مبارزه می‌کنند و مخالف شاه و شیخ و رهبری فردی هستند با همدیگر متحد شوند و هر کدام به نوبه خود، علیه فاشیسم اسلامی در قدرت و فاشیسم سلطنت‌طلب و جنگ‌طلب مبارزه کنند. چرا که این حکومت‌ها امتحان خود را پس داده‌اند و اتفاقاً مردود و از سوی مردم طرد شده‌اند.

نهایتاً دوران سلطنت در ایران، همانند بسیاری از کشورهای جهان، برای همیشه پایان یافته و به تاریخ پیوسته است و بازگشت رضا پهلوی و هواداران چماقدارش به قدرت به معنای توهین به تاریخ و شعور یک جامعه بیش از ۹۰ میلیونی است!

پنج‌شنبه هفتم اسفند ۱۴۰۴ - بیست و ششم فوریه ۲۰۲۶

ضمیمه:

اطلاعیه کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در تشریح دلایل عدم امضای سند هم‌پیمانی چند حزب کردستان

۲۳ فوریه ۲۰۲۶

همان‌طور که اطلاع دارید، پنج حزب از هفت حزب عضو «مرکز دیالوگ احزاب کردستان ایران»، طی بیانیه‌ای مشترک، سند «هم‌پیمانی» میان خود را به امضا رساندند. کومه‌له، به‌عنوان یکی از احزاب شرکت‌کننده در «مرکز دیالوگ»، از همان آغاز روند گفت‌وگوها تلاش نموده است که نقش فعالی در پیشبرد یک دیالوگ سازنده ایفا نماید. با این حال، سند این هم‌پیمانی را امضا نکرده است. از آن‌جا که شفافیت در برابر مردم کردستان یکی از اصول بنیادین ماست، موظفیم دلایل این تصمیم را با صراحت و به‌طور کامل توضیح دهیم.

۱- هفت حزب گردهم‌آمده در مرکز دیالوگ از نظر برنامه سیاسی، استراتژی، سنت‌های مبارزاتی و پیشینه تاریخی یکسان نیستند. در این میان، جریان ما به‌مثابه یک جریان سوسیالیست به سنت شناخته‌شده‌ای در جامعه سیاسی کردستان تعلق دارد. در این سنت، جنبش کارگران و زحمتکشان کل کشور به‌منزله متحدان جنبش خلق کرد هستند؛ در این سنت، همراهی با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در مورد ایران و کردستان جایگاهی ندارد؛ مقابله با اپوزیسیون دست‌راستی و مشخصاً سلطنت‌طلبان، که آشکارا از هم‌اکنون علیه نیروهای چپ و حقوق ملت‌ها خط‌ونشان می‌کشند، از ارکان سیاست ماست. اما در عین حال، ما این تنوع سیاسی را نه نقطه ضعف، بلکه بخشی از واقعیتی زنده در جامعه کردستان می‌دانیم. از دیدگاه ما، هرگونه همکاری پایدار بین این احزاب تنها زمانی به ثمر می‌نشیند که این تفاوت‌ها به‌طور شفاف در اسناد رسمی، در پروسه‌های همکاری، سازوکارهای تصمیم‌گیری و تعهدات مشترک احزاب سیاسی به‌دقت منعکس شوند. تجربه ثابت کرده است که هر همکاری که بر پایه نادیده گرفتن تفاوت‌های واقعی بنا شود، در مراحل حساس سیاسی دچار بحران و از هم‌پاشیدگی خواهد شد.

۲- از نظر ما، در مسئله همکاری و هماهنگی بین احزاب سیاسی کردستان، پیش از جست‌وجو برای یافتن نقاط مشترک برنامه‌ای - که امری مربوط به آینده است - باید بر استراتژی، سیاست و تاکتیک‌های مشخص مربوط به شرایط کنونی و سازوکارهای عملی که امری در دسترس هستند، توافق حاصل شود. برای نمونه، تشکیل نهادهایی مانند «کمیته دیپلماسی مشترک» به‌خودی‌خود مسئله اصلی نیست؛ مسئله اصلی تعیین سیاستی است که فعالیت چنین نهادی را هدایت خواهد کرد. اتحادی که برای مثال در این مورد از وضوح سیاسی بی‌بهره باشد، در عمل ناکارآمد خواهد بود و برداشت‌های متفاوت درباره سازوکار آن می‌تواند خود منشأ بحران شده و همکاری را به بن‌بست بکشاند. این مسئله به‌ویژه در ارتباط با دولت‌ها یا سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳- یکی از محورهای اصلی اختلاف ما، مسئله جایگاه نیروی مسلح در شرایط تحولات سیاسی آینده ایران است. موضع روشن کومه‌له این است که در فردای هر تغییر سیاسی در کردستان، اسلحه نباید در اختیار نیروهای حزبی باقی بماند، بلکه باید طی پروسه زمانی محدودی، با هماهنگی لازم احزاب مسلح فعال در کردستان، در اختیار نهادهای منتخب مردمی قرار گیرد. این اصل برای جلوگیری از رقابت‌های نظامی و تضمین گذار دموکراتیک حیاتی است. حتی متحد کردن نیروهای مسلح احزاب در یک ساختار واحد، اگر هم امکان‌پذیر باشد - که البته همین نیز دشوار به نظر می‌رسد - نمی‌تواند تضمین کافی برای به‌کار نرفتن سلاح در مناقشات سیاسی باشد.

۴- از نظر ما، احزاب سیاسی در هیچ شرایطی نباید قدرت سیاسی را از بالای سر مردم در میان خود تقسیم کنند. حاکمیت حق نهادهای منتخب مردمی است و با بهانه «دوره گذار» یا «آماده نبودن مردم» نمی‌توان حق طبیعی مردم برای اعمال حاکمیت مستقیم خود را محدود کرد. هر خلأیی در قدرت که به‌وجود آید باید با تشویق مردم به ایجاد شوراها و نهادهای دموکراتیک در محلات، شهرها، محیط‌های کار، دانشگاه‌ها و غیره پاسخ داده شود، نه اینکه این خلأ را احزاب میان خود پر کنند. احزاب سیاسی لازم است زمینه‌های تحقق حاکمیت مردم، تقویت نهادهای برآمده از رأی آنان و پایبندی کامل به اراده و انتخاب آنها را فراهم کنند.

۵- کردستان ایران دارای جنبش‌های اجتماعی و مدنی نیرومندی است. از نظر ما، غلبه رویکرد نظامی بر سیاست، این سرمایه بی‌بدیل برای آینده این جامعه را تضعیف خواهد کرد. از این‌رو، اگر قرار باشد نیروهای مسلح احزاب در یک «سپاه کردستانی» واحد ادغام شوند، پیش از طرح ایجاد نیروی مسلح واحد لازم است توافق روشنی درباره این پرسش اساسی حاصل شود که چه سیاستی بر چنین نیرویی حاکم است و این نیرو تحت کنترل چه نهادی قرار دارد؟ از نظر ما، چنین نیرویی ناگزیر باید تحت هدایت نهادهای مردمی قرار گیرد، نه زیر فرماندهی احزاب سیاسی؛ چرا که

در صورت بروز هر اختلاف سیاسی میان احزاب، این نیروی ظاهراً مشترک و متحد ممکن است ناگهان به گروه‌های مختلف وفادار به احزاب مربوطه تقسیم شود و در نتیجه در خدمت پروژه‌های گوناگون این و آن حزب قرار گیرد.

۶- دشمنان مردم کردستان با استفاده از ابزارهای مختلف در تلاش‌اند تا از طریق مذاکرات جداگانه با احزاب، یا اگر مقدور نشد از طریق تحریک اختلافات ملی و مذهبی میان مردم کرد و ترک، شیعه و سنی و غیره در جامعه کردستان، تفرقه بیفکنند. خنثی کردن این سیاست مستلزم توافق روشن مبتنی بر همبستگی مبارزاتی مردم هم‌سرنوشت در سراسر ایران، مستقل از ملیت، جنسیت و مذهب است. وحدت مبارزاتی مردم کردستان و دیگر جنبش‌های مترقی و پیشرو در جامعه ایران شرطی حیاتی برای پیروزی جنبش انقلابی مردم کردستان است. از نظر ما، هرگونه سند همکاری باید مرزبندی روشنی با جریان‌ات نژادپرست و راست سراسری داشته باشد و متحدین جنبش انقلابی کردستان را در صفوف سایر جنبش‌های پیشرو در سراسر قلمرو جغرافیایی ایران - از جمله جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش‌های مترقی و رهایی‌بخش سایر ملل تحت ستم - جست‌وجو و همراهی کند.

۷- بیشتر نکات سیاسی اساسی که برشمردیم، یا اساساً در پلاتفرم پیشنهادی حضور ندارند یا به قدری ناشفاف و قابل تفسیرهای متفاوت طرح شده‌اند که نمی‌توانند مبنای یک هم‌پیمانی پایدار قرار گیرند. از آنجا که اختلاف ما به شکل‌بندی و ساختار سند محدود نبود و به ضرورت وجود شفافیت سیاسی، سازوکار روشن تصمیم‌گیری و تعهدات مشخص در چارچوب همکاری بازمی‌گردد، به همین دلیل ما راه‌حل را در اصلاح این یا آن بند نمی‌بینیم؛ زیرا معتقدیم هر پلاتفرمی باید از ابتدا بر پایه وضوح سیاسی و توافقات دقیق تدوین شود؛ در غیر این صورت، به سرنوشت تجربیات ناکام پیشین دچار خواهد شد.

۸- ما ایجاد «مرکز دیالوگ» را گامی مثبت، ضروری و متناسب با اوضاع حساس کنونی می‌دانیم. این مرکز در این ماه‌ها نقش مهمی در ایجاد کانال‌های ارتباطی منظم و ایجاد درجه‌ای از نزدیکی سیاسی ایفا کرده است. تجربه این دوره و نیز سال‌های اخیر نشان داده است که احزاب فعال در کردستان حتی بدون توافق بر سر یک پلاتفرم مشترک مکتوب نیز توانسته‌اند در مراحل حساس، همکاری مؤثر و حرکت‌های سیاسی مهمی را سازمان‌دهی کنند. این سرمایه سیاسی نباید نادیده گرفته شود.

۹- عدم شرکت ما در این «هم‌پیمانی» معین، به معنای کنار کشیدن از همکاری با آن نیست. ما همچنان سیاست همکاری و تلاش مشترک بر سر مصالح عمومی مردم کردستان با احزاب سیاسی فعال در کردستان ایران را در دستور کار خود داریم و از ادامه دیالوگ مستمر و سازنده به این منظور پشتیبانی می‌کنیم. اما اتحادی که بر شالوده سستی و اجتناب از بیان تفاوت‌های واقعی بنا شود، نه تنها جنبش کردستان را به پیش نمی‌برد، بلکه در لحظات حساس بار سنگینی بر دوش آن خواهد بود. ما به اتحادی باور داریم که صادقانه و با احترام به تفاوت‌ها ساخته شود.

۱۰- کومه‌له دارای سند مصوب جامعی در مورد همکاری و هماهنگی احزاب سیاسی فعال در کردستان است که به‌زودی بار دیگر و در همین رابطه در اختیار افکار عمومی قرار خواهد گرفت.

کمیته مرکزی کومه‌له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

چهارم اسفندماه ۱۴۰۴